

یادداشت‌های بی‌سرانجام

حسین رسول‌زاده



سرشناسه: رسول زاده، حسین، ۱۳۳۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: یادداشت‌های بی‌سرانجام/ حسین رسول زاده.
 مشخصات نشر: تهران: حکمت کلمه، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۵ ص: ۵/۱۴×۲۱/۱۴ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۹۱۷۳-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: کلمات قصار
 موضوع: Quotations
 موضوع: نکته‌گویی‌ها و گزینه‌گویی‌ها
 موضوع: Aphorisms and apothegms
 رده بندی گره: PNF۰۹۵
 رده بندی دیو: ۸۰۸/۸۸۲
 باره کد شناسی ملی: ۶۰۵۹۷۵۶

یادداشت‌های بی‌سرانجام

نویسنده: حسین رسول زاده

برگ‌آرا: محمد قائمی

طراح جلد: محسن توحیدیان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۱۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۵۲۴۳۵۲۷

Email: hekmat.kalame@gmail.com

Telegram: @hekmatkalame

Instagram: @hekmatkalame

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه
۹	پیش‌گزینه
۱۱	گزین‌گفتارها

مقدمه

موسس بلا نشود در «پس از واقعه» از قول استفان مالارمه نقل می‌کند: نویسنده‌ای از او خواسته بود مقدمه‌ای برای کتابش بنویسد. در پاسخ گفته بود از پیش‌گفتارهایی که خود نویسندگان به کارشان می‌نویسند متنفّر است اما از پیش‌گفتارهایی که کارکنان می‌نویسند، بیشتر متنفّر است زیرا «یک کتاب واقعی به معرفی نیاز ندارد، همچون وحی، غیر منتظر است...»

با این حال پنداری بی‌راه خواهد بود اگر تصور شود مقدمه چیزی خارج از متن است. به گمانم مقدمه، نوشتاری جدا از متن نیست هرچند که کاملاً هم جزو آن نیست. مقدمه هم بخشی و هم نه بخشی از اثر است. هم فارغ است و نه غرق، یک فراغت. بنابراین نباید به مقدمه صرفاً به عنوان یک معارفه در لابی متن یا شیوه‌نامه‌ای نگاه کرد که قرار است هم‌چون بروشوری، نحوه‌ی مصرف دارو= متن را برای خواننده شرح دهد

مقدمه

من پس بلانشو در «پس از واقعه» از قول استفان مالارمه نقل می‌کند: نویسنده‌ای از او خواسته بود مقدمه‌ای برای کتابش بنویسد. راه در پاسخ گفته بود از پیش‌گفتارهایی که خود نویسنده‌گان به کارشان می‌نویسند متنفّر است اما از پیش‌گفتارهایی که دیگر می‌نویسد، بیشتر متنفّر است زیرا «یک کتاب واقعی به معرفی نیاز ندارد، همچون وحی، غیرمنتظر است...»

با این حال پنداری بی‌راه خواهد بود اگر تصور شود مقدمه چیزی خارج از متن است. به گمانم مقدمه نه‌تنها بی‌جدا از متن نیست هرچند که کاملاً هم جزو آن نیست. مقدمه هم بخشی و هم نه بخشی از اثر است. هم فارغ است و هم غرق، یک فراغت. بنابراین نباید به مقدمه صرفاً به عنوان یک معارفه در لایه متن یا شیوه‌نامه‌ای نگاه کرد که قرار است هم‌چون بروشوری، نحوه‌ی مصرف دارو= متن را برای خواننده شرح دهد

یا چنان که در سنت های مقاله نگاری آکادمیک مرسوم و مجبور است آنچه را که قرار است در متن بیافریند، در مقدمه اثبات کند. مقدمه مثل نام اثر است که بیرون از متن است اما جزئی از متن نیز هست. سودای تعریف متن را می پروراند اما خود حاصل متن است. مقدمه حتی مقدم بر متن نیست بلکه خود قدمی است در متن.

کتابی که پیشاروی خواننده است حاصل یک هم جوشی است. بعد از آن گزین گفتارها پیش تر در کتاب «تأملات ناگهانی» مجمر شده و اکنون با گزین گفت های دیگری در آمیخته اند و «یادداشت های بی سرانجام» را ساخته اند. گویی آن تأملات، ناگهان به بستر رسیده اند که بی سرانجام شوند. و راستی کدام متن است که در «بی سرانجامی» نباشد. گاهی گمان می کنم متن که رویای بی سرانجامی را در سر دارد از اثر که در پی لذت سرانجامی است، می گریزد... همواره می گریزد... گزین گفتارها به ظاهر چنان به مؤلف چسبیده اند که گویی در جیب های او جای دارند اما به واقع این گفتارها، سینه هایی هستند که به ناگاه در دست های مؤلف می رویند. هیچ نمی توانند به قدر گزین گفتارها در ترک مؤلف تعجیل ندارند. گزین گفتارها به گفته ی دریدا «نا به هنگامند».

